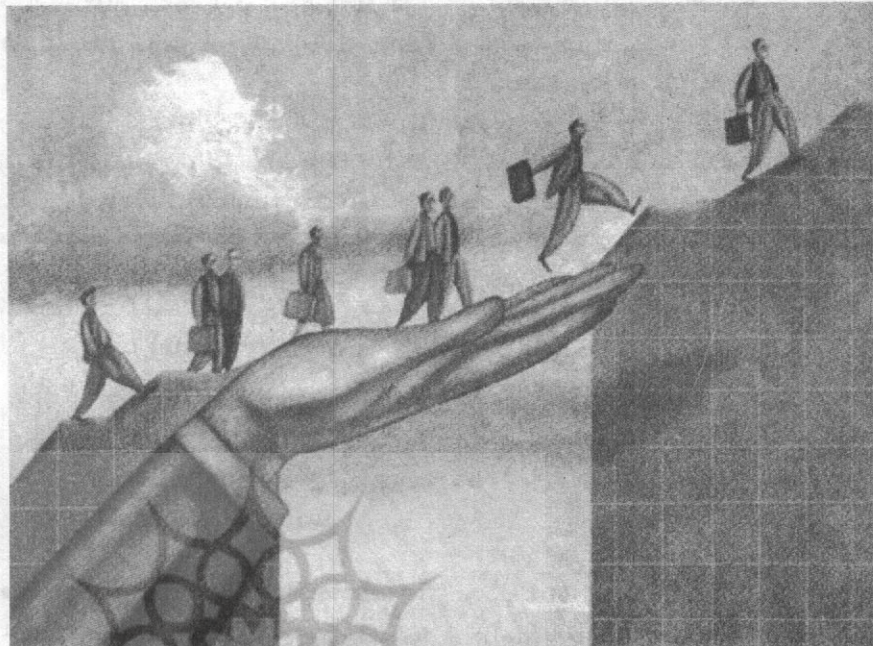


# همکاری دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه



فقر تا اوایل دهه ۷۰ میلادی اشتراک‌های بسیاری داشتند. در طول سه دهه گذشته و پس از آن چندین کشور آسیای جنوب شرقی توانستند میزان قابل ملاحظه‌ای از فقر درآمدی را کاهش دهند و به دنبال آن تفاوت معناداری با سایر کشورهای منطقه در زمینه میزان و شیوع فقر پیدا کنند. با وجود این کشورهای منطقه اسکاپ به این واقعیت پی بردند که فقر در بسیاری از ابعاد آشکار است و نیاز به توجه روزافزون به کاهش فقر از طریق رویکردهای متجانس و با ماهیت چندبخشی وجود دارد. دولت‌ها همچنین به این امر واقف شدند که سعی و تلاش در همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد محلی، اثربخشی برنامه‌ها را در بخش‌های گوناگون فرآیند توسعه افزایش می‌دهد. دولت برخلاف شبکه پهن‌آور و گسترده‌ای که دارد می‌تواند به طور فیزیکی و اجتماعی از فقرا فاصله داشته باشد. بنابراین سازمان‌های مردم‌نهاد زمینه‌هایی را که می‌توانند نقش مهم و واسطه‌ای برای ارائه خدمات به فقرا داشته باشند، ترویج می‌کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد کارایی، اثربخشی و انعطاف‌پذیری را در اجرای برنامه‌ها در سطح اجتماعات محلی اثبات کرده‌اند. ظهور سازمان‌های مردم‌نهاد ویژه‌ای که دارای کارکردهایی در بعضی بخش‌ها هستند دولت‌ها را قادر ساخته است که با این سازمان‌ها در اجرای مسایلی مانند مشاوره و اطلاع‌رسانی، آموزش، برنامه‌های اجتماعی و دیگر برنامه‌های توسعه اقتصادی محلی همکاری داشته باشند.

امروزه ثابت شده است که تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی که پایدار و عادلانه باشد به طور فوق‌العاده‌ای پیچیده است و دانش و منابع دولت و جامعه مدنی را که شامل سازمان‌های مردم‌نهاد می‌شود، طلب می‌کند. دولت‌هایی که به تنهایی عمل می‌کنند، به سختی می‌توانند با همه مسایلی چنین توسعه‌ای کنار بیایند. بنابراین باید مسایلی در حال تغییر توسعه توسط دولت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، اجتماعات محلی و خانواده‌ها مورد توجه قرار گیرد و یک مشارکت و همکاری قوی بین دولت و جامعه مدنی پدید آید و به طور جدی پی‌گیری شود.

## مقایسه مزیت‌ها و برتری‌های سازمان‌های

### مردم‌نهاد و کارگزاران دولتی

#### سازمان‌های مردم‌نهاد

سازمان‌های مردم‌نهاد در منطقه اسکاپ از نظر تعداد و اثربخشی در حال رشد هستند و به طور کلی به کاهش فقر، بهبود توسعه منابع انسانی و مدیریت منابع طبیعی در یک روان و طریق پایدار تمایل دارند. بعضی از مزیت‌های ویژه این سازمان‌ها در زیر آمده است:

#### توانایی تکمیل تلاش‌های دولت

از دوران اولیه بی‌اعتمادی و سوءظن متقابل، دولت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد یک راه طولانی را برای ثبات

پذیرفته شده که نقش‌ها و کارکردهایی برای این دو کارگزار توسعه وجود دارد. این اعتقاد وجود دارد که سازمان‌های مردم‌نهاد هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی می‌توانند به ترویج یک رویکرد پایدار و مسؤ‌لانه به فعالیت‌های مربوط به امور توسعه در سطح اجتماعات محلی کمک کنند. به هر جهت تجارب سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند توسعه مناطق مختلف جهان در حال توسعه گوناگون است. اگر چه این سازمان‌ها یک مجموعه از اصول و رویکردهای به تقریب مشابهی برای ترویج و ارتقای توسعه در سطوح محلی به کار می‌برند، عملکرد آنها متفاوت است. بنابراین ضروری است تا رویکردهای متفاوت همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد و دولت در بهبود و پیشرفت فرآیند توسعه و کاهش فقر و همچنین عامل‌های هدایت‌کننده همکاری موفقیت‌آمیز دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد، بررسی و تجزیه و تحلیل شود.

هدف اصلی این مقاله مطالعه رویکردهای تقویت و افزایش همکاری دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد برای کاهش فقر بر اساس یافته‌های پروژه‌های اجرا شده به وسیله اسکاپ (کمسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام) است.

#### دلایل همکاری دولت - سازمان‌های مردم‌نهاد

نیاز به رویکرد چندبخشی به کاهش فقر بیشتر کشورهای منطقه اسکاپ در رابطه با دامنه‌های شیوع

حسین دهستانی اسفندآبادی\*  
اشاره: دو دهه گذشته از طریق شناخت و فهم روبه‌تزايد دولت‌ها و جامعه مدنی در خصوص نیاز به تقویت ظرفیت‌های مردمی برای دستیابی به توسعه پایدار و موفقیت برنامه‌های کاهش فقر، از زمان‌های دیگر متمایز می‌شود. در طول این دو دهه، دولت‌ها نقشی را که سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در بهبود و ارتقای ظرفیت‌های مردم به منظور مشارکت در فرآیند توسعه بازی کنند، به رسمیت شناختند. همچنین این باور تقویت شده است که وقتی دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد با هم کار می‌کنند نسبت به زمانی که به طور جداگانه کار می‌کنند، فعالیت‌های بیشتری انجام می‌شود و ظرفیت‌های آنها به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی افزایش می‌یابد. بنابراین دلایل و توجیه‌هایی قابل ملاحظه‌ای برای همکاری بین دولت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد وجود دارد. به طور اصولی سازمان‌های مردم‌نهاد یک گروه همگن و یکدست نیستند و رویکرد آنها به مسایلی توسعه‌ای، ارزیابی و تحلیل مسایلی و راه‌حل‌ها و همچنین منابع تقویت‌کننده آنها و سطح و مکانی که در آن فعالیت می‌کنند، متفاوت است. نوشته‌های موجود در خصوص توسعه اقتصادی در مورد نقش سازمان‌های دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند توسعه متفاوت است اما به طور کلی این مطلب

نقش‌های تکمیلی خود در تقویت و ترویج ابتکارات کاهش فقر در سطح اجتماعات محلی طی کرده‌اند. سازمان‌های مردم‌نهاد همواره در صف مقدم ترویج فعالیت‌های کاهش فقر در مناطقی بوده‌اند که زیرساخت‌های دولتی در آن ضعیف بوده است. این سازمان‌ها موفقیت‌بی‌نظیری در انجام مشاوره و اطلاع‌رسانی و فعالیت‌های آموزشی و خدمات محور در اجتماعات دور افتاده داشته‌اند. برای مثال، در سری لانکا این سازمان‌ها توانسته‌اند برنامه‌های تنظیم خانواده را در اجتماعات دور افتاده روستایی که خدمات دولتی در آنها ضعیف است، اجرا کنند. در اندونزی سازمان‌های مردم‌نهاد در اجرای برنامه‌های ابتکاری کاهش فقر در اجتماعات روستایی و کاهش اثرهای نامطلوب اصلاحات کلان اقتصادی بسیار موفق بوده‌اند. همچنین مطالعات متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد ملاحظه‌ها و ابتکارهای سازمان‌های مردم‌نهاد در مناطق روستایی در کاهش میزان و شیوع فقر و نابرابری‌های درآمدی مؤثر بوده است.

#### مشاوره سیاستی

سازمان‌های مردم‌نهاد در منطقه آسیا و اقیانوسیه نقش‌های مهمی در مشاوره‌های سیاستی بازی کرده‌اند و همیشه دانش و تجارب آنها بر اولویت‌های دولت و برنامه‌های توسعه در سطح ملی و پایین‌تر از آن نفوذ داشته است. این سازمان‌ها جایگاه مهمی در فرآوردی اطلاعات و داده‌ها و جلب توجه تصمیم‌گیران به واقعیت‌های موجود داشته‌اند. در زمینه برنامه‌های تنظیم خانواده، سازمان‌های مردم‌نهاد رویکردهای ارتباطی، اطلاعاتی، آموزشی و مشاوره‌ای را به منظور ترویج مفاهیم این حوزه بین افکار عمومی به کار می‌برند. در سری لانکا مؤسسه تنظیم خانواده به عنوان یک سازمان مردم‌نهاد در سال ۱۹۵۳ تأسیس شد پیش از اینکه دولت برنامه‌های تنظیم خانواده را در سال ۱۹۶۵ به رسمیت بشناسد. در طول این ۱۰ سال این مؤسسه توانست مشاوره‌های اثربخشی به منظور مشروعیت بخشیدن به برنامه تنظیم خانواده و ابزارهایی برای تغییرات اجتماعی داشته باشد.

شبکه‌سازی و همکاری و تشریک مساعی بین سازمان‌های مردم‌نهاد

تأکید و توجه روزافزونی در زمینه همکاری میان تعداد زیادی از سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور ایجاد شبکه‌های گسترده و همبستگی و اتحاد راهبردی وجود دارد. توانایی فوق‌العاده‌ای که در سازمان‌های مردم‌نهاد وجود دارد دانش و تجارب است که آنها از طریق کار با فقرای روستایی در موقعیت‌های متفاوت به دست می‌آورند. این نوع اطلاعات و تجارب در دیگر نظام‌های نهادینه شده، قابل دسترس نیست.

در زمینه ترویج صنایع دستی روستایی برای کاهش فقر، تعدادی از سازمان‌های مردم‌نهاد که به طور شبکه‌ای کار می‌کنند نقش‌های واسطه‌ای را بین کارگزاران دولتی و اجتماعات محلی بازی می‌کنند. این سازمان‌های مردم‌نهاد آموزش محور و خدمات محور یک سری آموزش‌ها و خدمات را در زمینه مدیریت داد و ستد و تجارت‌های خرد آرایه می‌کنند. در این بین، دو نوع از خدمات آرایه شده به وسیله این سازمان‌ها همگانی شد و طرفداران زیادی پیدا کرد. یکی از این خدمات اعتبارات خرد بود که نمونه بارز عینی آن فعالیت‌های «گرامین بانک» بنگلادش است. نوع دوم خدمات آموزش داد و ستد و بازاریابی بود. در این حوزه هم سازمان‌های مردم‌نهاد ویژه‌ای ظهور کردند.

**سازمان‌های مردم‌نهاد هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی می‌توانند به ترویج یک رویکرد پایدار و مسؤو لانه به فعالیت‌های مربوط به امور توسعه در سطح اجتماعات محلی کمک کنند**

#### شفافیت و پاسخگویی

یکی از مسائلی که سازمان‌های مردم‌نهاد را بین دولت‌ها و اجتماعات قابل اطمینان و اعتماد می‌کند شفافیت و پاسخگویی این سازمان‌هاست. یکی از شیوه‌های ترویج شفافیت و پاسخگویی، مشارکت ذی‌نفعان اجتماعات محلی در فرآیند برنامه‌ریزی، اجرا و سایر فعالیت‌هاست. سازمان‌های مردم‌نهاد در بعضی از حوزه‌ها یک سری از نظام‌های اخلاقی را به منظور حفظ اعتماد و اعتبار خود نزد اجتماعات و دولت‌ها می‌پذیرند. در واقع سازمان‌های مردم‌نهاد به طور عام اعتبارشان را از طریق توجه ویژه به شفافیت و پاسخگویی اثبات می‌کنند.

#### نوآوری و انعطاف‌پذیری

سازمان‌های مردم‌نهاد در طول چند دهه گذشته نقش راهگشایی در برنامه‌های اجرایی و توسعه‌ای با جهت‌گیری کاهش فقر داشته‌اند. این سازمان‌ها به نتایج قابل ملاحظه‌ای از طریق تکنیک‌های نوآورانه توسعه اجتماعات محلی و مشارکت در فعالیت‌های بهداشتی مانند ایمن‌سازی کودکان، تنظیم خانواده و ترویج اصول بهداشتی دست یافته‌اند. سلامت جامعه یک بخش مهم است که دولت‌ها از مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد نفع زیادی برده‌اند. به طور مثال، در فیلیپین سازمان‌های مردم‌نهادی که در برنامه‌های سلامت اجتماع فعالیت

می‌کردند تأثیر مثبت زیادی روی سیاست‌های دولت در زمینه مراقبت‌های بهداشتی اولیه داشته‌اند. در بنگلادش و هند مفهوم داوطلبان سلامت و بهداشت اجتماع برای نخستین بار توسط سازمان‌های مردم‌نهاد رواج پیدا کرد و سپس به وسیله دولت‌ها پذیرفته شد. بعلاوه در هند فعالیت‌های مصون‌سازی و ایمن‌سازی کودکان در بسیاری از نقاط کشور به عهده سازمان‌های مردم‌نهاد گذاشته شد. این سازمان‌ها همچنین نقش مهمی را در بهبود وضعیت اقتصادی فقرا بازی کردند و با اجرای برنامه‌های مختلفی در زمینه توسعه کشاورزی، پرورش طیور و ماهی، دادوستد کوچک، صنایع دستی خانگی و آموزش مهارت‌ها نشان دادند که افزایش سطح کیفیت زندگی فقرا ممکن است.

یکی دیگر از نقاط قوت این سازمان‌ها در فرآیند توسعه نوآوری و استفاده از تجارب است. همانگونه که این سازمان‌ها خودشان نمی‌توانند برنامه‌های توسعه همگانی را برای کل کشور به عهده بگیرند تلاش می‌کنند رویکردهای نوآورانه‌ای را ابداع و آن را برای سازمان‌های مردم‌نهاد دیگر و دولت‌ها اثبات کنند. این سازمان‌ها همچنین موفقیتشان را با استفاده از رویکردهای اجتماع محور، نوآورانه، خلاقانه و مؤثر تضمین کرده‌اند.

یکی دیگر از مزیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌ها، انعطاف‌پذیری است. با بررسی تجارب و تجزیه و تحلیل مسایل سازمان‌های مردم‌نهاد به سرعت راهبردهایشان را تغییر می‌دهند و ایده‌های جدید و نوآورانه را می‌پذیرند زیرا این سازمان‌ها از نظر اندازه کوچک هستند و مدیریت آنها بسیار ساده‌تر است. همچنین این سازمان‌ها به وسیله کارکنان متعهد و متخصص با تمرکز بر پیش و اهداف اداره می‌شوند و رهبری و مدیریت آنها با ثبات بیشتر در مدت قابل ملاحظه‌ای ادامه دارد.

#### تجهیز منابع

بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد در تجهیز منابع از محل داخلی و بین‌المللی برای اجرای برنامه‌هایشان موفق بوده‌اند. این سازمان‌ها همچنین اثبات کرده‌اند که با پیروی از رویکردهای متجانس و همه‌جانبه به توسعه از منابع به طور مؤثرتری استفاده می‌کنند.

#### دولت

توانایی ایجاد محیط هدایت‌کننده توسعه

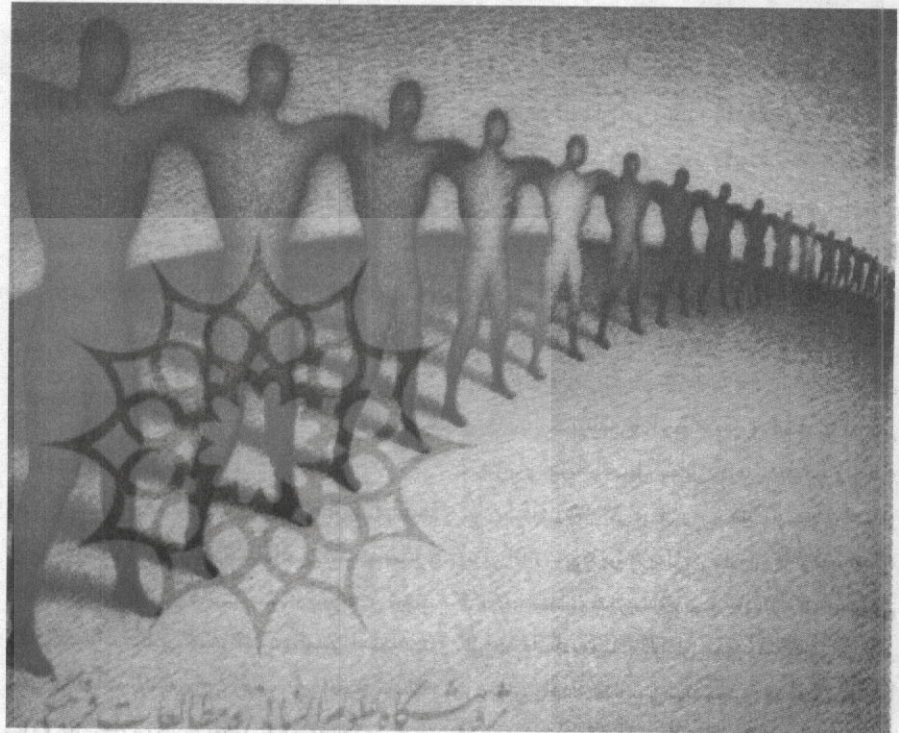
دولت مرکزی از طریق سیاست‌ها، محتوای برنامه‌های توسعه و کانال‌های نهادینه شده‌ای که برای پی‌گیری برنامه‌های توسعه دارد، می‌تواند راهبردهایی را برای سرعت بخشیدن به سیاست‌های هدایت و ایجاد کننده محیط مناسب توسعه انتخاب کند که در این محیط و زمینه مساعد، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در یک دسته از فرآیندهای توسعه در تمام سطوح مؤثر باشند.

در سال‌های اخیر دولت‌ها نقش تسهیل‌گری را به منظور تقویت فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، بازی کرده‌اند. در حقیقت دولت‌ها اغلب به کمک و مساعدت سازمان‌های مردم‌نهاد برای بهبود آرایه خدمات اجتماعی به فقرا نیاز دارند همانگونه که برنامه‌های دولت ممکن است همه نیازهای فقرا را برآورده نکند. دولت‌ها به طور معمول ابتکارهای سازمان‌های مردم‌نهاد را از طریق اصول سیاسی وسیع‌تر و مساعدت‌های مدیریتی و اجرایی تقویت می‌کنند. به هر حال این مسأله ثابت شده است که این سازمان‌ها، فرآیند توسعه را به طور معناداری سرعت می‌بخشند اگر محیط مناسب و مساعدی توسط دولت

برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، تسهیل کند. در این واحدهای هماهنگ کننده باید نمایندگانی از سازمان‌های مردم‌نهاد و دولت وجود داشته باشند و مبادله اطلاعات و ایجاد یک نظام اخلاقی مشترک را ترویج کنند.

#### ظرفیت‌سازی

رشد و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در منطقه آسیا و اقیانوسیه در دودهمه گذشته در واکنش به چندین عامل بوده است که عبارت‌اند از: عدم ظرفیت لازم در دولت برای پرداختن به همه مسایل فقرا، آگاهی از این مسأله که ممکن است اجتماعات فقیر اثرهای نامطلوبی از سیاست‌های توسعه در سطح کلان را بپذیرند و تمایل به



برای فعالیت آزادانه آنها ایجاد شود، دولت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهادی که به طور مؤثری با یکدیگر رابطه دارند باید موقعیت نهادینه شده خود را تعریف کنند و حوزه‌هایی را که علایق و دغدغه‌های مشترکی دارند، مشخص سازند.

#### هماهنگی

دولت‌ها این مسأله را به رسمیت شناخته‌اند که برای اجرای برنامه‌های بین‌بخشی نیاز به هماهنگی وجود دارد. در حوزه‌هایی که مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد وجود دارد، ضروری است هماهنگی و مبادله اطلاعات بین سازمان‌های مردم‌نهاد و بین این سازمان‌ها و دولت به منظور اجرا و پایش برنامه‌ها در سطح ملی و محلی تقویت شود. به هر حال تجارب اخیر به طور فزاینده‌ای ثابت کرده است که یک واحد هماهنگ کننده مستقل در سطح ملی ضرورت دارد تا همکاری دولت - سازمان‌های مردم‌نهاد را در هر کدام از بخش‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی،

ایجاد سازمان‌های جایگزین در صورت ناکامی ساختارها و نهادهای رسمی در برخورد با مسایل داشته باشند.

در هر صورت این مسأله آشکار است که همکاری دولت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه ظرفیت‌سازی برای کاهش فقر ضرورت دارد. حوزه‌های مختلفی که می‌تواند منجر به افزایش ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد شود عبارت است از: مهارت‌های مدیریت داد و ستدهای کوچک، مستندسازی فعالیت‌ها، مهارت‌های ایجاد فناوری، مهارت‌های مدیریت اقتصادی و تأمین منابع و شبکه‌سازی برای اجرای خدمات. در این راستا دولت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد باید سازوکارهای نهادینه شده‌ای برای تثبیت فرآیند ظرفیت‌سازی ایجاد کنند.

#### انعطاف‌پذیری در برابر اندازه

مقایسه مزیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و دولت نشان می‌دهد که این دو مکمل فعالیت‌های یکدیگر هستند.

سازمان‌های مردم‌نهاد از نظر اندازه کوچک هستند، انعطاف‌پذیرند، مدیریت بر آنها آسان‌تر است، تمرکز بیشتری بر اجرای پروژه‌ها دارند و رویکرد مشارکتی را در توسعه اجتماعات محلی به کار می‌برند. در نقطه مقابل دولت‌ها، اولویت‌های ملی را جمع‌بندی می‌کنند، راهبردهای توسعه ملی را ترویج می‌کنند، فعالیت‌های توسعه‌ای را در سطح کلان انجام می‌دهند و خدمات اجتماعی را در سراسر کشور آرایه می‌کنند. اکثر سازمان‌های مردم‌نهاد در اجرای برنامه‌هایی که جامعه هدف آنها کل جمعیت است ناتوان هستند و در نقطه مقابل دولت‌ها اغلب فاقد انعطاف‌پذیری، تعهد و ماهیت مشارکتی سازمان‌های مردم‌نهاد هستند. این تضاد، زمانی بروز می‌کند که سازمان‌های مردم‌نهاد و کارگزاران دولتی برنامه‌هایشان را بدون ملاحظه کافی و در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف طرف دیگر تعقیب می‌کنند. توانایی سازمان‌های مردم‌نهاد در ارزیابی با دقت محیط و زمینه‌های سیاسی و نهادی که در آن اقدام می‌کنند باید پرورش یابد و تقویت شود. کارگزاران دولتی هم که در برنامه‌های کاهش فقر در سطح اجتماع فعال هستند باید در زمینه بهبود مدیریت منابع سازمانی و مالی تلاش کنند.

برخلاف پیشرفت‌های معناداری که به وسیله سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه توسعه ایجاد شده است بعضی از پرسش‌های بنیادی بدون پاسخ باقی مانده است. اگرچه سازمان‌های مردم‌نهاد در طول دودهمه گذشته دامنه فعالیتشان افزایش پیدا کرده است نقش کلی آنها بر بهبود کیفیت زندگی مردم محدود بوده است. حتی جایی که سازمان‌های مردم‌نهاد خیلی مؤثر عمل کرده‌اند برنامه‌هایشان گاهی اوقات کوچک‌تر از آن بوده است که اثر معناداری در سطح ملی داشته باشد. به عنوان مثال، صدها سازمان مردم‌نهاد در حوزه توسعه سلامت کار می‌کنند اما وضعیت بهداشتی فقرای روستایی و شهری رضایت‌بخش نیست از طرفی مصداق‌هایی وجود دارد که فعالیت‌های بعضی از سازمان‌های مردم‌نهاد تکراری و نسخه‌برداری از برنامه‌های دولت است تا اینکه تکمیل‌کننده تلاش‌های دولت باشد. یک پرسش دیگر در رابطه با سازمان‌های مردم‌نهاد پایداری آنهاست. ظرفیت بعضی از سازمان‌های غیردولتی به مرور تحلیل می‌رود زیرا تأمین منابع آنها محدود است و ضعف ساختاری و نهادی دارند. به طور کلی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در برنامه‌های کاهش فقر و توسعه همچنان محدود است زیرا دولت‌ها حمایت کافی را از آنها نمی‌کنند و تلاش ندارند با تغییر پارادایم‌های توسعه از توسعه تنها دولتی و از بالا به پایین به پارادایم توسعه مشارکتی و پایین به بالا برای فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد فراهم کنند.

## نتیجه‌گیری

حوزه‌ها و رویکردهای همکاری دولت و سازمان‌های مردم نهاد

توسعه برنامه‌های سیاستی و اجرایی

با تأکید زیادی که در مورد کارایی آرایه خدمات اجتماعی و خصوصی سازی بعضی از فعالیت‌ها وجود دارد تصور می‌شود سازمان‌های مردم نهاد و بخش خصوصی نقش مهمی در همکاری با دولت‌ها در آرایه اطلاعات و خدمات با هدف فقرزدایی داشته باشند. به هر حال بسیاری از کشورهای منطقه با مسایل فقر و نابرابری روبه‌رو هستند و به این مسأله پی برده‌اند که همکاری نقش مؤثری در بهبود وضعیت فقرا دارد. کلید همکاری موفقیت‌آمیز دولت و سازمان‌های مردم نهاد تجمع نقاط قوت و مزیت‌های این دو در کنار یکدیگر است.

امروزه در حوزه رو به گسترش و وسیع فعالیت‌های توسعه‌ای به ویژه فعالیت‌هایی که متمرکز بر کاهش فقر بوده، آشکار شده است که سازمان‌های مردم نهاد باید در تمام فعالیت‌های مربوط به تدوین سیاست، برنامه‌ریزی و اجرا لحاظ شوند. همکاری دولت و سازمان‌های مردم نهاد در برنامه‌ریزی و طراحی فعالیت‌های اجرایی در دو پروژه اسکاپ بسیار موفق بوده است: ارتقای توسعه منابع انسانی زنان از طریق مهارت‌های سوادآموزی و ترویج و اجرای اعلامیه جاکارتا در زمینه توسعه امور زنان.

## تحقیق و توسعه

یکی از ضعف‌های اساسی در حوزه کاهش فقر، فرآیند ایجاد دانش از طریق تحقیق مبتنی بر اجراء است. این نوع از تحقیق در برنامه‌های توسعه اولویت کمی دارد. سازمان‌های مردم نهاد مهارت‌های تحقیقی و تجربی دارند که می‌توانند نقش مهمی در همکاری با کارگزاران دولتی و انجام تحقیقات علمی و به دور از تعصب داشته باشند. تعدادی از سازمان‌های مردم نهاد روی تحقیق و توسعه کاربرد نوآوری‌ها در برنامه‌های کاهش فقر متمرکز شده‌اند. از طریق همین تحقیقات ناشی از تجارب موفق در سال ۱۹۷۶ «گرامین بانک» بنگلادش به عنوان یک نهاد بانکی فقرا گسترش یافت. این بانک در ابتدا یک برنامه اعتباری و پس‌انداز بود که به آموزش شیوه پس‌انداز بین فقرا می‌پرداخت. وام‌ها به یک گروه از فقرا که شامل چندین زن می‌شد، به منظور بهبود وضعیت زندگی آنها از طریق اجرای فعالیت‌هایی در حوزه کشاورزی، دامداری، پرورش طیور و دادوستد پرداخت می‌شد. این فرآیند به مرور تبدیل به موفق‌ترین برنامه فقرزدایی در بنگلادش شد.

پروژه توسعه مزارع کوچک با هدف گسترش گروه‌های مشارکتی و بهبود وضعیت اجتماعی - اقتصادی فقرا در سال ۱۹۷۵ در نپال اجرا شد. تشکیل گروه، آموزش و

اطلاع‌رسانی، شیوه‌های پس‌انداز، درآمدزایی، توسعه زیربنای آموزشی مانند سوادآموزی، مراقبت‌های بهداشتی و توسعه مدارس از مؤلفه‌های اصلی این پروژه بود. نتایج یک تحقیق در سال ۱۹۸۷ نشان داد که درآمد سالانه خانوارهایی که در این پروژه مشارکت داشتند ۸ درصد رشد داشته است. با استفاده از نتایج حاصل از تجربه اجرای این پروژه در سال ۱۹۹۴ گروه‌های توسعه مزارع کوچک تشویق شدند به منظور توسعه نهادهای پایدار و تغییر وضعیت زندگی خود با یکدیگر متحد شوند. بنابراین دولت‌ها در زمینه تحقیقات مبتنی بر سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی می‌توانند تجارب زیادی از سازمان‌های مردم نهاد کسب کنند.

## سازمان‌های مردم نهاد به طور عام اعتبارشان را از طریق توجه ویژه به شفافیت و پاسخگویی اثبات می‌کنند

## توسعه منابع انسانی

یکی از راهبردهای کاهش فقر که نمی‌توان آن را نادیده گرفت راهبرد توسعه ظرفیت منابع انسانی به منظور استفاده مؤثر از منابع کمیاب است. همکاری سازمان‌های مردم نهاد و دولت‌ها در زمینه ارتقای مهارت‌های اجرایی برنامه‌های فقرزدایی بسیار مفید و مؤثر است.

همانگونه که نتایج سیاست‌های آزادسازی اقتصادی که به وسیله تعدادی از کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه پذیرفته شد و افراد شاغل در حرفه‌ها و مشاغل سنتی را به عنوان یک فرآیند اجتناب‌ناپذیر تحت تأثیر قرارداد، سازمان‌های غیردولتی در همکاری با دولت توانستند به منظور آموزش مجدد این افراد و ارتقای ظرفیت‌ها و مهارت‌های آنها برای ورود به مشاغل جدید بخش اقتصادی در حال ظهور، نقش مهمی را بازی کنند.

## مشاوره‌های سیاستی

فرآیند تدوین سیاست‌ها نه تنها باید دینامیک باشد، بلکه باید مشارکتی هم باشد. دولت‌ها به ضرورت باید راه نظام‌های تدوین سیاست‌ها را باز نگه دارند. در مراحل تدوین سیاست‌ها باید واقعیات جامعه در نظر گرفته شود. بنابراین فرآیند تدوین سیاست‌ها با حضور پررنگ بخش غیردولتی معنا می‌یابد.

یکی از نقش‌های موفقیت‌آمیزی که سازمان‌های غیردولتی در بخش‌های مختلف بازی کرده‌اند نقش آنها در تغییر دادن سیاست‌های دولت بوده و این مهم از طریق آرایه نتایج ناشی از برنامه‌های اجرایی در سطح اجتماعات محلی به دولت صورت پذیرفته است. در حوزه‌های خاصی مانند برنامه‌های تنظیم جمعیت خانواده، زنان و توسعه و برنامه‌های فقرزدایی این نقش آشکارتر بوده است. به منظور تثبیت نقش سازمان‌های مردم نهاد در مشاوره‌های سیاستی ضروری است سازوکارهای نهادینه‌ای ایجاد شود و نقش این سازمان‌ها در فرآیند تدوین سیاست‌ها، برنامه‌های اجرایی، اجرای سیاست‌ها و پایش و ارزیابی فعالیت‌ها، روشن شود.

یارانه دولتی برای برنامه‌های اجرایی سازمان‌های مردم نهاد یکی دیگر از شیوه‌هایی که دولت‌ها می‌توانند با سازمان‌های مردم نهاد همکاری داشته باشند و آنها را به منظور اجرای فعالیت‌های حوزه عمومی و اجتماعی تقویت کنند از طریق تأمین یارانه‌های دولتی و امتیازهای ویژه است. در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی دولت‌ها کمک بدون عوض و بخشودگی‌های مالیاتی را برای سازمان‌های مردم نهاد فراهم می‌آورند. در سال‌های اخیر دولت‌ها کمک‌های بدون عوض زیادی به سازمان‌های مردم نهاد برای آرایه خدمات اجتماعی و بهداشتی به فقرا داشته‌اند. به عنوان مثال دولت‌ها برای سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی که مکان‌هایی را به منظور سالمندان و اداره آنها ایجاد کرده‌اند، کمک‌های بدون عوض و امتیازهای ویژه‌ای منظور کرده‌اند یا در حوزه آموزش، دولت‌ها به مدارس که توسط سازمان‌های مردم نهاد و بخش خصوصی اداره می‌شوند کمک می‌کنند و تسهیلات ویژه‌ای در نظر می‌گیرند.

## منابع:

- 1- ESCAP, 1998. Government - NGO Collaboration in rural Poverty alleviation (New York, united Nations)
- 2- ESCAP, 1998. Government - NGO - Private Sector Cooperation in Strengthening Smaller and medium enterprises for alleviating rural Poverty, Government - NGO Cooperation Series NO. 3. (New York, united Nations)
- 3- Nobeleen Heyzer, Janus V. Riker and Antonio B. Quizon, 2001. Government - NGO relations in Asia: Prospects and Challenges for People centered development, Asian and Pacific Development centre, Kuala Lumpur (London, macmillan press Limited)
- 4- ESCAP, 1997. Approaches to comprehensive National Policies on ageing: Government - NGO cooperation, Government - NGO Cooperation Series NO.2. (New York, united Nations).

\* کارشناس دفتر امور رفاه اجتماعی